

# دروس فی علم الاصول

## للشهید الصدر

### الحلقه الثالثه

درس ۹۸

استاد: حجت الاسلام و المسلمين علم الهدی  
آموزشیار: آقای یاسر سعادت

شهید صدر در این درس در نقد و بررسی جواب مدافعین امکان شرط متأخر، به محذور عقلی موجود درباره آن پرداخته و این پاسخ را مخدوش می‌داند و محدود شدن نظر مجیب به عالم جعل را منشأ اشتباه او می‌داند. ایشان در ادامه به توجیه روایاتی که ظهور در شرط متأخر دارد پرداخته و آنها را تأویل به شرط مقارن برده است.

## متن درس

و التحقيق ان هذا الجواب وحده ليس كافياً و ذلك لأن كون شرط قيداً للحكم، و الوجوب أو للواجب ليس جزافاً، و انما هو تابع للضابط المتقدم و حاصله ان ما كان دخیلاً، و شرطاً في اتصاف الفعل بكونه ذا مصلحة يؤخذ قيداً للوجوب. و ما كان دخیلاً و شرطاً في ترتب المصلحة على الفعل يؤخذ قيداً للواجب.

و الجواب المذكور انما نظر إلى دخل الشرط بحسب عالم الجعل في تخصيص الواجب، أو في الوجوب المجعول و أغفل ما يكشف عنه ذلك من دخل قيد الواجب في ترتب المصلحة و وجودها، و دخل قيد الوجوب في اتصاف الفعل بكونه ذا مصلحة و ترتب المصلحة امر تكويني، و اتصاف الفعل بكونه ذا مصلحة امر تكويني أيضاً فكيف يعقل ان يكون الأمر المتأخر، كغسل المستحاضة في ليلة الأحد مؤثراً في ترتب المصلحة على الصوم في نهار السبت السابق إذا أخذ قيداً للواجب؟ و كيف يعقل ان يكون الأمر المتأخر كالغسل المذكور مؤثراً في اتصاف الصوم في يوم السبت بكونه ذا مصلحة إذا أخذ قيداً للوجوب؟ و من هنا قد يقال باستحالة الشرط المتأخر، و يلتزم بتأويل الموارد التي توهم ذلك بتحويل الشرطية من امر متأخر إلى امر مقارن، فيقال مثلاً ان الشرط في نفوذ عقد الفضولي على الكشف ليس هو الإجازة المتأخرة، بل كون العقد ملحقاً بالإجازة. و الشرط في صوم المستحاضة يوم السبت كونه ملحقاً بالغسل و هذه صفة فعلية قائمة بالأمر المتقدم.

۱. برخی به خاطر محذور عقلی، قائل به امتناع مقدمه متأخر شده و محذور عقلی را چنین بیان کرده‌اند: شرط به منزله علت و یا جزء علت برای واجب می‌باشد و علت نمی‌تواند متأخر از معلول باشد؛ زیرا مستلزم این است که معدوم علت برای موجود باشد.

برخی در مقام جواب به این اشکال گفته‌اند قید برای واجب علت نیست و فقط برای تخصیص واجب می‌باشد و در جعل وجوب، تحقق قید خارجی لازم نیست؛ بلکه تصور آن کافی می‌باشد و تصور شرط متأخر، مقارن با جعل وجوب می‌باشد. اما نسبت به تحقق وجوب اگر چه - تحقق وجوب - متوقف بر این قید می‌باشد، اما چون وجوب از امور اعتباری است باز هم تأخر شرط، اشکالی ایجاد نمی‌کند؛ زیرا امور اعتباری سهل‌الهمینه بوده و تقدم علت بر معلول در امور اعتباری ممتنع نمی‌باشد؛ همان‌طور که دو نام متضاد و متناقض را می‌توان بر فردی نهاد.

### اشکال شهید صدر به جواب قائلین به امکان شرط متأخر از محذور عقلی

ایشان جواب قائلین امکان شرط متأخر به اشکال محذور عقلی را مخدوش می‌داند؛ زیرا احکام عقلی از جمله امتناع تأخر علت از معلول را در احکام شرعی جاری می‌داند.

**دلیل:** امور اعتباری بر دو نوع است:

۱. اموری که اعتبار محض می‌باشد و هیچ پشتوانه واقعی و تکوینی ندارد و در این امور، احکام عقلی از جمله امتناع تأخر علت از معلول جاری نیست.

۲. امور اعتباری که پشتوانه واقعی و تکوینی دارد و تمام احکام عقلی در آن جاری می‌باشد.

احکام شرعی از نوع دوم هستند؛ یعنی هرچند که احکام شرعی، امور اعتباری و جعلی‌اند اما مستند به عالم ملاک و واقعیات می‌باشند؛ یعنی پشتوانه احکام شرعی، امور واقعی است به همین جهت نمی‌شود دو حکم متناقض داشت و نسبت حکم به قیودش هر چند که اعتباری است، اما این اعتبار بر اساس واقعیات شکل گرفته است؛ لذا نمی‌شود یک قید از مقید خودش تأخر پیدا کند. به دلیل اینکه مجیب نگاهش محدود به عالم جعل شده است، گمان کرده است که احکام شرعی، اعتباری بیش نیستند.

**نکته:** درباره نامیدن یک شخص به دو نام متناقض باید توجه داشت که، اگر ملاک این نامگذاری اعتبار محض باشد، اشکالی ندارد؛ ولی اگر ملاک این نامگذاری واقعیات خارجی و تکوینی باشد، این نامگذاری محال است.

**سؤال:** مقدمات وجوبیه و وجودیه بر اساس چه واقعیت و پشتوانه‌ای جعل شده‌اند؟

**جواب:** آنچه که در عالم جعل به عنوان قید واجب و یا قید وجوب، خودش را نشان می‌دهد در واقع پشتوانه و واقعیتی در عالم ملاک و تکوین دارد که قید وجوب همان شرط اتصاف در عالم ملاک و قید واجب همان شرط ترتب در عالم ملاک می‌باشد.

پس در حقیقت، قیود وجوب و واجب امتداد وجود مأخوذ در مرتبه ملاک هستند و یک جعل صرف نیستند؛ لذا همان‌طور که شرط اتصاف یک فعل به مصلحت، نمی‌تواند از اتصاف به مصلحت آن فعل تأخر پیدا کند، شرط وجوب هم ممکن نیست از خود وجوب تأخر یابد و همان‌طور که شرط ترتب نمی‌تواند متأخر از مصلحت مترتبه بر فعل باشد، قید واجب نیز نمی‌تواند متأخر از واجب باشد.

### توجیه شهید صدر برای روایاتی که ظهور در شرط متأخر دارند

**جواب:** شهید صدر برای حل این مشکل، این گونه روایات را به شرط مقارن، تؤول می‌برند. به این بیان که شرط را اتصاف واجب و یا وجوب به قید می‌دانند، نه وجود خارجی آن قید. به عبارت دیگر وقتی که در روایتی اجازه مالک در بیع فضولی شرط صحت و وجوب دانسته شده است، می‌گوییم که شرط صحت بیع فضولی، وجود این اجازه در خارج نیست؛ بلکه شرط آن است که بیع فضولی در همان لحظه وقوعش مجاز فی المستقبل باشد و اگر چه اجازه بعداً می‌آید ولی از همین الآن این عقد فضولی دارای صفت لحوق اجازه به آن می‌باشد و یا در باب غسل مستحاض می‌گوییم در حقیقت شرط صحت صوم، اتصافش به تَعَقُّب غسل می‌باشد، نه تحقق غسل در شب.

### مثالی برای روشن شدن مطلب

اگر کسی به شخصی پولی بدهد و بگوید این پول را بین طلاب تقسیم کن به شرط این که در آینده مجتهد شوند؛ این شرط متأخر می‌شود و محال لازم می‌آید. اما اگر بگوید این پول را بین طلابی تقسیم کن که همین الآن متصف به مجتهد فی المستقبل هستند؛ در این صورت شرط مقارن می‌شود؛ زیرا برخی از طلاب همین الآن متصف به مجتهد فی المستقبل می‌باشند.

**سؤال:** از کجا بدانیم که مثلاً بیع در آینده توسط مالک اجازه داده خواهد شد؟

**جواب:** چون علم غیب نداریم، باید صبر کنیم تا ببینیم که آیا مالک بیع را اجازه می‌دهد یا نه، به همین خاطر است که اجازه را کاشفه می‌نامند.

۵۶: ۲۶: Sco<sub>۲</sub>

## چکیده

۱. امور اعتباری بر دو نوع است:

الف- اموری که اعتبار محض می‌باشد و هیچ پشتوانه خارجی و تکوینی ندارد و در این امور احکام عقلی از جمله امتناع تأخر علت از معلول جاری نیست.

ب- امور اعتباری که پشتوانه واقعی و تکوینی دارد و تمام احکام عقلی در آن جاری می‌باشد؛ و احکام شرعی از این نوع هستند؛ لذا امکان شرط متأخر محذور عقلی دارد.

۲. قید وجوب همان شرط اتصاف در عالم ملاک و قید واجب همان شرط ترتب در عالم ملاک می‌باشد؛ پس در حقیقت قیود وجوب و واجب امتداد وجود مأخوذ در مرتبه ملاک هستند.

۳. قائلین به امکان قید متأخر به خاطر محدود شدن نگاهشان به عالم جعل، احکام شرعی را اعتباری بیش ندانسته و احکام عقلی را در آن جاری ندانسته‌اند.

۴. شهید صدر روایاتی را که ظهور در شرط متأخر دارد تأویل به شرط مقارن برده است.